

قیصرخوانی ستاره‌ها

شعرهای قیصر فقط به کتاب‌های درسی راه پیدا نکرده، فقط تبدیل به سرود مدرسه نشده مانند همان شعر معروف باز آمد بوی ماه مدرسه. شعر قیصر را خواننده‌های زیادی خوانده‌اند؛ از حسام‌الدین سراج و علیرضا افتخاری تا علیرضا قربانی و محمد اصفهانی.

پرویز بیگی حبیب‌آبادی از روزگار رفاقت و همراهی با قیصر امین‌پور می‌گوید

قیصر در شعر پس از انقلاب اسوه است



علی مظاهری

روزنامه‌نگار

❖ **به نظر می‌رسد قیصر هم یکی از شاعرانی باشد که باگذر زمان، جامعه بیشتر و بهتر او را بشناسد و به سمتش حرکت کند. شما به عنوان کسی که تجربه دوستی با او را داشتید چه ویژگی‌های خاص اخلاقی‌ای در او دیدید و فکر می‌کنید این ویژگی‌ها تا چه اندازه به حفظ نام او در کنار شعرش کمک می‌کند؟**

قیصر انسان صبور و بسیار مهربانی بود. اما کمتر اظهارنظر اجتماعی یا سیاسی شفاف‌ی از او می‌شنیدیم، چون آدم درون‌ریزی بود و ترجیح می‌داد حرف‌هایش را به زبان نیاورد، شاید می‌خواست خیلی نکته‌ها و نظراتش را برای آینده نگه دارد و به وقتش بگوید اما فرصتش را پیدا نکرد، شاید هم حرف‌هایش را جایی نوشته و هنوز منتشر نشده‌اند، به همین دلیل هم ما از آنها بی‌خبر مانده‌ایم. در هر صورت همه می‌دانیم که ساکت بود و اگر هم حرفی می‌زد در گپ‌های رفاقتی و خصوصی بود نه در جمع و فضای عمومی.

❖ **واقعا دلایل این رفتارش چه بود؟**

همان که گفتم، درون‌ریز بود...

❖ **هیچ وقت سعی نکردید او را به بیان نظراتش وادارید؟**

نه چرا باید این کار را می‌کردم؟ این طور صلاح می‌دید، شاید به خاطر بیماری‌ای که تجربه می‌کرد یا روحیات خاص خودش... بالاخره هر آدمی دلیلی دارد دیگر... به خاطر دارم برای تذکره‌ای که درباره شاعران می‌نوشتم سراغ او رفتم و خواستم زندگینامه‌اش را بگویم. یک فهرست نشانم داد و گفت می‌شوی نفر چهل و سوم، ۴۲ نفر قبل از تو هستند که باید کارهای‌شان را انجام دهم و برسم به تو، با صبر و حوصله و نظم فراوان کارهای خود را انجام می‌داد و مهربانی و صبوری آمیخته به نظم داشت، وقتی یک انسان این قدر دقیق رفتار می‌کند چرا باید بخواهیم تغییریش دهیم.

❖ **سرنوشت متن تذکره چه شد؟**

گفت بروم پیشش، او بگوید و من بنویسم. بعد یک بار بخواند و بگوید چه چیزهایی را حذف یا اضافه کنم. آخرین باری که او را در خانه‌مان دیدم ماجرای متن تذکره در میان بود، آمد و حالش اصلا خوش نبود. کمی استراحت کرد و متن را خواند و اصلاح کردیم. آن شب هم حرف‌های جالبی زد که البته نمی‌خواهم درباره‌شان چیزی بگویم، خصوصی بودند اما احتمالا بخشی از آنها را در کتاب خاطرت خودم منتشر کنم.

❖ **درواقع قیصر مصاحبه نکرده و نوشته‌ای هم درباره خودش به جا نگذاشته تا بهتر بشناسیم وقضاوتش کنیم.**

نیازی نیست، او را باید با شعرهایش شناخت. مواردی را هم که گفتم می‌خواهم در کتاب خاطراتم بنویسم نکاتی است که برای شاعران جالب است نه مردم عادی.

❖ **اما دانستن ویژگی‌های رفتاری و خلق و خوی یک هنرمند می‌تواند به جامعه هم در تبیین خلق خوب هم کمک کند.**

مهم این است که منش و رفتار خاص خود را داشت و آن‌طور که خودش می‌گفت در تمام طول عمرش حتی به یک نفر توهین نکرده است. می‌گفت کسی عصیان‌ام کند و با من درگیر شود، این من هستم که باید از کلام پاک استفاده کنم و خارج از حدود و قواره سخن نگویم. همین‌ها را هم مردم از دوستان قیصر بشنوند می‌بینند او چقدر ظریف و دقیق جهان را نگاه می‌کرده است.

❖ **دعواها سر ماجرای قیصر کم نیست و گروه‌های فکری مختلفی می‌خواهند او را جزوی از خود بدانند. نظراتان در این باره چیست؟**

این اتفاقی عادی است دیگر، برای آدم‌های بزرگ پیش می‌آید. اما من می‌گویم در شعر بعد از انقلاب نمونه و اسوه بود، هم در روش و منش و گفتار و هم در شعر. او سنجیده رفتار می‌کرد و این خیلی مهم بود. او در واقع سعی می‌کرد بیشتر فکر کند و کمتر سخن بگوید، چون با شعرهایش سخن می‌گفت.

❖ **اگر از شما بپرسم چطور یک نفر برای مردم زنده می‌ماند و جاودانه می‌شود چه پاسخی خواهید داد؟**

وقتی یک نفر در ذهن مردم زنده می‌ماند، جاودانه می‌شود. مردم هرچه را به خود متعلق بدانند نگه می‌دارند، مردم پاکی را دوست دارند، صداقت و راستگویی را روش و منش صحیح را و قیصر این همه را داشت. اگر شاعری با قیصر حرف می‌زد که تجربه‌ای نداشت یا در آغاز راه بود هرگز با او برخوردی از نقطه بالاتر نداشت، به آرامی و خوبی سعی می‌کرد سخنان خیلی آرام و کم‌کم به او بفهماند باید چه کند تا اعتبار کیفی در شعر پیدا کند و بسیاری رفتارهای مشابه دیگر... قیصر به ساحت مقدس حضرت دوست پیوسته و از ما جدا شده و جز خاطرات خوب، حرف‌های خوب، شعرهای خوب و لبخندهای صمیمی آیا چیز دیگری باقی مانده‌است، اصلا از همه ما جز این‌ها چه می‌تواند بماند؟ همین‌ها هم سبب شده تا قیصر در آذهان خاص و عام جامعه بماند.

یک خاطره عجیب

بیگی حبیب‌آبادی می‌گوید: از اراک برمی‌گشتم که به قیصر گفتم کتاب سنت و نوآوری که نوشتی کار بسیار ارزشمندی است، کاش بیشتر در این حوزه تحقیق کنی و چراغ‌های دیگری فراراه شاعران روشن کنی. گفت بیگی جان من در شرایطی هستم که وقتی یک کتاب را می‌نویسم خیلی لذت می‌برم، اما هیچ چیزی لذتش بیشتر از آن نیست که در تراس خانه‌ام در کنار دخترتم آیه بنشینم و بتوانم این‌خیار را با نمک بخورم. در حال حاضر هیچ چیزی برایم در دنیا از این لذتبخش‌تر نیست اما این اجازه را از طرف پزشک ندارم، من از لذت خیلی چیزها محروم‌م و فکر نکن همه چیز در نوشتن‌ها خلاصه می‌شود.



❖ **نی‌نامه وسراج**

حسام‌الدین سراج در آلبوم موسیقی «وداع» یکی از اشعار زنده‌یاد امین‌پور را خوانده است. این شعر «نی‌نامه» نام دارد. در همین صفحه می‌توانید نظر سراج درباره امین‌پور و اشعار او را در یادداشتی کوتاه بخوانید.



❖ **نیلوفرانه و علیرضا افتخاری**

نیلوفرانه یکی از آلبوم‌های پرفروش علیرضا افتخاری است که در آن هشت شعر از قیصر امین‌پور خوانده شد. کل این آلبوم به حضرت مهدی(عج) تقدیم شد ومعروف‌ترین آن قطعه «پارا پارا» بود.

فصل تولد تو

پرونده کوچک جام جم برای شما

به پاس قیصر



خاطرم هست وقتی ق کودک و نوجوان شب ۲۴ ساعت بعد از درگذشت نام آستانه که ۹ آبان درآمد. این برنامه را خانم الهه فقط این نبود که یک پخش می‌شد بلکه برنامه بود که به سرعت شده بود و در این بر شخصت هنری و ویژگی کرده بود.

افشین یداللهی در بر امین‌پور را تشریح کرد و نوجوان و اعتلای آن شاعر گرانقدر خالی اس

آموزگار همیشه

افشین علاء/ شاعر

قیصر امین‌پور همیشه آموزگار بود؛ از روزگار جوانی، چه آن زمان که در حال تحصیل بود، چه بعد از آن و حتی در محیط کار هم می‌شد از محضرش آموخت و تحصیل کرد. به عنوان عضو انجمن شاعران ایران، در دفتر

شعر و در سروش نوجوان هم آموزگاری می‌کرد و نشست‌ها و گپ‌وگفت‌های معمول با او هم آموزه‌هایی داشت برای مراجعان و اطفاپانش. هر بار چیزی برای آموختن داشت، از ادبیات و هنر گرفته تا نوع نگاهش به پدیده‌ها و رویدادها.

قیصر، آموزگاری جذاب و متواضع بود، بسیار جذاب؛ چنان که کسی از محضرش خسته نمی‌شد. وجه آموزگاری او در کنار تواضع، روی گشاده، توانمندی و سواد، دلبذیرتر و موثرتر می‌شد به‌خصوص برای نوجوان‌ها.

اگر قیصر امین‌پور برای بچه‌ها هیچ نمی‌نوشت و نمی‌سرود و منتشر نمی‌کرد از نقش و تأثیرش در شعر و ادبیات ایران ذره‌ای کاسته نمی‌شد.

کارهای او کافی و ممتاز بود. قیصر به ادبیات کودک و نوجوان نیازی نداشت این ادبیات کودک و نوجوان بود که به قیصر امین‌پور نیاز داشت؛ به کسی که شعر و ادبیات را بشناسد و بر آن اشراف داشته باشد، کسی که اسلوب‌ها را بداند، مفاهیم و مخاطب را درک کند و آثاری خلق کند که ماندگار باشند.

شعر و ادبیات کودک و نوجوان بدون این دانش عمیق و جامع، حتما سهل انگارانه و سطحی می‌شود و اگر شعر قیصر ماندگار است به این بر می‌گردد که از گنجینه دانشی عمیق برآمده.

در کمتر شعری از مجموعه اشعار کودکانه و نوجوانان می‌توان مانند شعر قیصر زبان، فرم، لحن و لهجه و حال و هوا را در حد و اندازه‌های معیار دید.

کمتر شعری برای این گروه سنی، همچون اشعار قیصر قابل تدریس است و ضمن در اوج بودن، مخاطب را با گنجینه ادبیات فارسی و قابلیت‌های این زبان آشنا می‌کند.

قیصر به راستی استاد ادبیات بود نه به استناد مدرکی که از دانشگاه گرفته بود بلکه به استناد نظر بزرگانی چون محمدرضا شفیعی کدکنی. قیصر امین‌پور شعر فارسی را درک کرده بود و همین است که آثارش را ماندگار کرده است.

مثل چشمه

بابک نیک‌طلب/ شاعرو نویسنده

قیصر امین‌پور همچنان که برای بزرگسالان شعر می‌گفت، به ادبیات کودک و نوجوان توجه داشت و همان سال‌ها که در حوزه هنری مشغول به کار بود، دو مجموعه مهم اشعارش

منتشر شد؛ مجموعه‌های «مثل چشمه، مثل رود» در انتشارات سروش و «منظومه ظهر روز دهم» در نشر برگ. قیصر امین‌پور برای نوجوانان یک مجموعه شعر دیگر هم دارد با عنوان «به قول پرستو» و همین سه مجموعه او را در دیف شاعران پیشرو در حوزه شعر نوجوان قرار داده است.

ایجاد سروش نوجوان که به همت قیصر امین‌پور، بیوک ملکی و فریدون عموزاده خلیلی صورت گرفت. به ادبیات و شعر نوجوان هویت و جایگاه داد و باعث گسترش آن شد. آموزش و ارتباط با مخاطب کودک و نوجوان مهم‌ترین دستاوردهای این مجله ارزشمند بود و البته در توسعه ادبیات کودکان و نوجوانان هم سهم به‌سزایی داشت و من این افتخار را داشتم که شاگردی کوچک و همراهی مشتاق باشم که در خدمت قیصر و دیگر اعضای سردبیری سروش نوجوان فعالیت می‌کرد.

قیصر امین‌پور به شعر نوجوان هویت و جایگاه داد؛ تا پیش از او و همکارانش نشریاتی مانند کیهان بچه‌ها و سروش کودکان را داشتیم که شعر کودک را رونق داده بودند اما سروش نوجوان به شعر نوجوان می‌پرداخت. در تمام سال‌هایی که قیصر در شورای سردبیری سروش نوجوان فعالیت داشت، آثار ارزشمندی چه در قالب نظم چه به صورت نثر برای کودکان تولید شد و برخی حتی به صورت سرود یا ترانه مورد استفاده قرار گرفتند. اشعار زیادی از سروده‌های قیصر امین‌پور به صورت سرود در مدارس خوانده شده مانند «شب بیکران» یا «سرود نماز» یا همین طور سرود معروف «باز آمد بوی مدرسه».

بین سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ من مسؤولیت بخش شعر مجموعه آوای مدرسه را برعهده داشتم که از تولیدات اداره کل فرهنگی هنری وزارت آموزش و پرورش است و تعداد قابل‌توجهی از اشعار قیصر امین‌پور در شورای کارشناسی این مجموعه انتخاب شده و در آن جای گرفته است. شعرهایی مانند« لحظه سبز دعا»، «قطره تنها چربی‌زنگ ماند»؛ «چشم روشنی» و بسیاری شعرهای دیگر. شعرهای قیصر روان هستند، مثل چشمه و پذیرش عام دارند.

تمام فتنه‌ها زیر سر اوست...!

حسام‌الدین سراج / خواننده موسیقی ایرانی

من همیشه معتقدم اگر کاری بویی از حقیقت و درستی برده باشد مردم به صورت طبیعی نسبت به آن واکنش مثبت نشان می‌دهند و این یک امر طبیعی است. در آلبوم «وداع» که برای امام حسین (ع) و واقعه کربلا خوانده‌ام از اشعار قیصر امین‌پور، ابراهیم درویشی و غلامرضا کافی هم استفاده کردیم و در جریان همین مسیر بود که دیدم «نی‌نامه» قیصر امین‌پور، یک شاهکار است و این بیتش را خیلی دوست دارم که می‌گوید: ز دست عشق درعالم هیاهوست تمام فتنه‌ها زیر سر اوست...

شعرهای او و به‌خصوص نی‌نامه‌اش مضمون و بیان تاثیرگذاری داشته و چند لایه است. قیصر از آن دسته شاعرانی است که هنوز به خوبی او را نشناخته‌ایم و نسل‌های بعد پی به قوت شعر او می‌برند.

*** تیتیر برگرفته از یکی از سروده‌های**

زنده‌یاد قیصر امین‌پور است که می‌گوید:

فصلی که می‌توان متولد شد / حتما بهار باید باشد*